

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات ۱۶ - ۵

خشیت الهی: ملاک علم، عالم و دانشگاه اخلاق مدار

پارسا ارباب^۱

چکیده

این مقاله بر خشیت الهی متمرکز است و آن را به عنوان کلید اصلی و ملاک حقیقی و بنیادین علم، عالم و دانشگاه اخلاق مدار، هدفگذاری می‌کند. بر این اساس، شناسایی پژوهش‌های کلیدی مرتبط جهت فراهم سازی مبانی نظری با نقطه نظر تحلیل محتوا، سنتز و تفسیر، هدفگذاری شده است. به واسطه پایگاه‌های معتبر در دسترس، مقالات معتبر با محوریت خشیت الهی به واسطه رویکرد گلوله برفی یا زنجیری، مورد جستجو و شناسایی قرار گرفته‌اند. خشیت الهی یا خداباوری و خداترسی، مفهومی بنیادین و راهگشا در سیر و سلوک و بندگی مبنی بر تسلیم، تعظیم و تکریم منسوب به عظمت و مهابت خداوند متعال و هم‌چنین خودباختگی، افتادگی و فروتنی منتج از علم و معرفت حقیقی و راستین است. مراد از عامل تحقق بخش خشیت، معرفت علمی متبلور در باور و عمل است که تلقی از آن، علم اخلاق مدار و عالم به آن، عالم اخلاق مدار به عنوان پیش‌نیاز دانشگاه اخلاق مدار است که با مختصات و ویژگی‌هایی که دارند، بینشی وسیع را عرضه داشته و در خدمت سعادت بشریت خواهند بود. این چنین، علم، عالم و دانشگاه اخلاق مدار، خشیت آفرین، تزکیه کننده، هدایت آفرین، مسئولیت‌پذیر، عمل‌گرا، پاسخگو، جامع‌نگر، تخصصی، نافع، فرازمان، فرامکان، یقینی و اصیل و در یکپارچگی با ایمان به مفهوم درک معنای جهان خواهند بود.

واژگان کلیدی

خشیت، معرفت علمی، اخلاق، آموزش عالی، دانشگاه.

۱. استادیار دانشکده شهرسازی، دانشکده‌های زیبا دانشگاه تهران، تهران، ایران.

Email: parsaarbab@ut.ac.ir

پذیرش نهایی: ۱۴۰۱/۶/۲۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۳/۲۷

طرح مسأله

اخلاق و ارزش‌های اخلاقی، نقشی اساسی در تحصیل علم و معرفت عمیق و اصیل داشته و زمینه‌ساز سعادت و اکتساب مراتب قرب الهی است (رجبی و کربلائی پازوکی، ۱۴۰۱). مقوله اخلاق در دانشگاه به عنوان نهادی کلیدی و نقش‌آفرین در توسعه پایدار جوامع و همینطور تربیت و آمادگی نیروی انسانی شایسته، کارآمد و دارای مهارت، بسیار حائز اهمیت است (باقریان فر، ۱۳۹۸؛ طالبی و دیگران، ۱۳۹۹). اخلاق و زیرمقوله‌های آن شامل نیکی نیت و رفتار، محبت و حسن ظن، تواضع و گذشت، میانه روی و مدارا و وقت شناسی و نظم، به عنوان یکی از الزامات دانشگاه است (نادری و دیگران، ۱۳۹۹). دانشگاه اخلاق مدار به عنوان یکی از ارکان اساسی جامعه پایبند به اخلاق، چشم‌اندازی است که تحقق آن در سایه حرکت جمعی، مرکب از اساتید، کارمندان و دانشجویان، و چندبعدی، شامل فردی، اجتماعی، آموزشی و پژوهشی، در مسیری منضم به عواملی چون صداقت، امانت داری، احترام به حقوق یکدیگر، مسئولیت‌پذیری و رعایت انصاف و عدالت، میسر و ممکن خواهد بود (سلکی چشمه سلطانی و جعفری، ۱۳۹۸). ایفای نقش‌های کلیدی آموزش، پژوهش، خدمات، کارآفرینی و ارزش‌آفرینی دانشگاه‌ها کاملاً تحت تاثیر اخلاق حرفه‌ای به عنوان عامل تنظیم‌کننده روابط در سایه حفظ و اشاعه ارزش‌ها و در نتیجه مبنای تصمیم‌گیری، ارزشیابی و نظارت است (گل محمدی و تقی زاده، ۱۳۹۹).

توجه به اخلاق در دانشگاه و ارتقاء اخلاقی دانشگاه به عنوان نهادی که علاوه بر تولید علم و فناوری، نهادی تربیتی و انسان‌ساز است، بسیار حائز اهمیت است (وجدانی، ۱۳۹۵؛ مشایخ و دیگران، ۱۳۹۸). در دهه‌های اخیر، تلاش‌های بسیاری در خصوص ارتقاء اخلاقی دانشگاه‌ها به واسطه شیوه‌ها و ابزارهای مختلفی چون تدوین قوانین و آئین‌نامه‌های اخلاقی و نظارتی انجام شده است که در عین حال، نیازمند بسترسازی و فراهم آمدن شرایط مورد نیاز برای تحقق هستند (چیت‌ساز و دیگران، ۱۳۹۸). تهیه نظام‌نامه اخلاق آموزش، افزایش توانمندی‌ها و شایستگی‌های حرفه‌ای اعضای هیات علمی و مدیران و هم‌چنین توجه به رعایت اصول اخلاق حرفه‌ای در تدوین آئین‌نامه‌ها و ضوابط، از جمله مصادیق قابل توجه در این زمینه با هدف مشخص ساختن حدود و ثغور وظایف و حقوق و متعاقباً ظهور و بروز کنش عقلایی مناسب، هدفمند و هماهنگ در اجرای مسئولیت‌های حرفه‌ای هستند (سرسنگی، ۱۳۹۸).

با این حال، روح، متر، میزان، معیار و ملاک کلیه تلاش‌های فردی و جمعی و اهتمام نهادی در زمینه اخلاق‌مداری در هر بستر و زمینه‌ای از جمله دانشگاه و آموزش عالی در یک جامعه توحیدی و همینطور منضم به فرهنگ و ارزش‌های دینی، خداآوری و خداترسی در سایه معرفت اصیل و الهی است. از این رو است که مقاله حاضر بر خشیت الهی متمرکز است، مفهومی که در پژوهش‌های متعددی نیز مورد توجه گرفته و هم‌چنان مورد تاکید است (جوادی آملی،

۱۳۶۹؛ آریان، ۱۳۸۶؛ مصباح یزدی، ۱۳۸۹؛ آرام، ۱۳۹۰؛ طیب حسینی، ۱۳۹۲؛ بادپا، ۱۳۹۴؛ رضایی اصفهانی و امینی، ۱۳۹۴؛ سلحشور، ۱۳۹۷؛ علی حکیم، ۱۳۹۷؛ منصوری آلهاشم و دیگران، ۱۳۹۷؛ رستمی نسب و دیگران، ۱۴۰۰). در این میان، وجه تمایز و رویکرد اختصاصی این مطالعه، هدفگذاری و واکاوی خشیت الهی به عنوان کلید اصلی و ملاک حقیقی و بنیادین علم، عالم و دانشگاه اخلاق مدار است. این مهم، مبتنی بر جهت گیری و روش پژوهش، نخست به واسطه تبیین معنا و مفهوم خشیت الهی و متعاقبا تحقق خشیت الهی به واسطه معرفت علمی دنبال می‌شود تا از این طریق، مختصات و ویژگی‌های علم اخلاق مدار و عالم به آن یعنی عالم اخلاق مدار که پایه و اساس اخلاق‌مداری در نظام دانشگاه هستند، مورد مذاقه و بحث قرار گیرد.

روش تحقیق

پژوهش حاضر ابتدا شناسایی پژوهش‌های کلیدی مرتبط را جهت فراهم سازی مبانی نظری شامل مفاهیم و دیدگاه‌ها با نقطه نظر تحلیل محتوا و سنتز، هدفگذاری کرده است که نقطه شروع خوبی را برای همه علاقمندان به مطالعه یک حوزه به خصوص، خشیت الهی در ارتباط با اخلاق‌مداری علمی و دانشگاهی، فراهم می‌سازد. ارزش افزوده این مرور هدفمند و متعاقبا محتوای منتج از آن به واسطه دلالت‌ها و تفاسیر، کشف نواحی مورد نیاز برای انجام تحقیقات مصداقی و کاربردی آتی خواهد بود. بر این اساس، تلاش شده است تا به واسطه پایگاه‌های معتبر در دسترس شامل «پایگاه مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی»، «پرتال جامع علوم انسانی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی»، «پایگاه مجلات تخصصی نور»، «بانک اطلاعات نشریات کشور مگیران» و «جویشگر علمی فارسی علم نت»، مقالات معتبر با محوریت خشیت الهی مورد جستجو و شناسایی قرار گیرند. در عین حال و مبتنی بر هریک از مقالات مورد شناسایی، رویکرد گلوله برفی یا زنجیری نیز با هدف تکمیل شدن مجموعه مورد استناد و ارجاع، مورد توجه قرار گرفته است.

تبیین معنا و مفهوم خشیت الهی

خشیت در معنای لغوی معادل ترس، خوف و هراس منسوب به عظمت و مهابت و بیم از عظمت خداوند است (دهخدا، ۱۳۸۸؛ عمید، ۱۳۹۰). این واژه که دلالت بر خوف و دعر دارد از ریشه خشی است که در ۱۶ ساخت مختلف، مجموعا ۴۸ بار در قرآن کریم به کار رفته است (سلحشور، ۱۳۹۷). در عین حال، برخی معتقدند که خشیت با خوف متفاوت است. خوف در جایی به کار می‌رود که ترس از خطر و متعاقبا ضرر که می‌تواند با تاثر و اعتقاد قلبی نیز همراه نباشد، موضوعیت دارد. در مقابل، خشیت به حالت از خودباختگی، کوچکی و افتادگی همراه با بیم در مقابل عظمت و جلال که به باوری قلبی متصل بوده و می‌تواند با ترس از خطر و ضرر نیز همراه نباشد، اطلاق می‌گردد (مصباح یزدی، ۱۳۸۹؛ پسندیده، ۱۳۹۹). در واقع، خشیت، ترسی همراه با

تعظیم از روی علم و معرفت است که انسان را به فروتنی وا می‌دارد، اما خوف، واکنشی غریزی و طبیعی به امکان تحقق امری ناخوشایند یا از دست رفتن امری خوشایند است. در خصوص استنباط تفاوت میان این دو واژه با استناد به قرآن کریم می‌توان گفت که خوف به عنوان امری طبیعی و غریزی در مواجهه با غیر خدا به پیامبران نسبت داده شده است، اما خشیت، متأثر از نظارت الهی بوده و هیچ گاه در برابر غیر خدا به ایشان منسوب نیست (طیب حسینی، ۱۳۹۲؛ شکوهی تبار و سلیمی، ۱۳۹۹). خداوند متعال در آیه ۱۳ سوره مبارکه توبه از قرآن کریم می‌فرماید:

«أَلَا تَقَاتِلُونَ قَوْمًا نَكَثُوا أَيْمَانَهُمْ وَهَمُّوا بِإِخْرَاجِ الرَّسُولِ وَهُمْ بَدَءُواكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ أَتُخْشَوْنَهُمْ فَإِنَّ اللَّهَ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَوْهُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» «آیا با قومی که عهد و پیمان خود را شکستند و اهتمام کردند که رسول خدا را (از شهر و وطن خود) بیرون کنند قتال و کارزار نمی‌کنید؟ در صورتی که آن‌ها اول بار به دشمنی و قتال شما برخاستند، آیا از آن‌ها ترس و اندیشه دارید؟ و حال آن که سزاوارتر آن است که از خدا بترسید اگر اهل ایمانید» (الهی قمشه‌ای، ۱۳۸۷).

در آیه ۱۹ سوره مبارکه نازعات از قرآن کریم نیز آمده است:

«وَأَهْدِيكَ إِلَى رَبِّكَ فَتَخْشَى» «و تو را به راه خدا هدایت کنم تا بترسی (و به درگاه عظمت و قدرت او خاشع و فروتن شوی)» (الهی قمشه‌ای، ۱۳۸۷).

هم‌چنین، در آیه ۱۵۰ سوره مبارکه بقره، خداوند متعال می‌فرماید:

وَمِنْ حَيْثُ خَرَجْتَ فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَحَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَيْكُمْ حُجَّةٌ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِي وَلَا تَمَّ نِعْمَتِي عَلَيْكُمْ وَلَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ» «و از هر جا و به هر دیار بیرون شدی روی به جانب کعبه کن و شما مسلمین هم به هر کجا بودید روی بدان جانب کنید تا مردم به حجّت و مجادله بر شما زبان نگشایند- جز گروه ستمکار (معاند) که از (جدل و گفتگوی) آنان هم نیندیشید (و نترسید) و از (نافرمانی) من بترسید، و تا نعمت و رحمتم را برای شما به حد کمال رسانم، و باشد که (به طریق صواب) راه یابید» (الهی قمشه‌ای، ۱۳۸۷).

خشیت به عنوان تاثیری عقلی و قلبی و باور به مبدا اثر و مبدا فاعلی یعنی خداوند متعال نسبت داده می‌شود و خوف به فعل و اثر (برای مثال سوء حساب) منسوب است (جوادی آملی، ۱۳۶۹). در واقع، خشیت، فراتر از خوفی است که انعکاس ترس از عواقب عملی است که عامل نسبت به عاقبت آن علم دارد. خداوند متعال از عقل‌ها و دیدگان در حجاب است و هیبت و جلالت او، دل عارفان را از جا می‌کند و امواج سهمگین خوف و خشوع بر جسم و جان ایشان هجوم می‌آورد. کسی که پرتوی از نور او را ببیند، هم اشتیاق وصال، دلش را ربوده و او را امیداور

و مشتاق می‌سازد و هم خوف فراق و رنج هجران، درونش را مهجور و محزون می‌کند. این چنین، خشیت به عنوان یکی از مفاهیم پایه در سیر و سلوک و بندگی، حالتی است که با شرم، حیا، تعظیم، تکریم و خشوع نسبت به خداوند متعال همراه بوده و پیش‌نیاز آن، صفای درونی و خلوص قلبی است (آرام، ۱۳۹۰).

آدمی در مسیر بندگی با عقبه‌ها و موانع بازدارنده مختلفی روبرو است و خشیت که نوعی خشوع و حیرت در برابر عظمت خداوند است، نعمت و موهبتی الهی است که در گردنه‌های پرخطر سلوک و شناخت، راهنمای این آفریده ویژه خداوند بوده و او را به سلامت به منزل مقصود سوق می‌دهد. در عین حال، خشیت همواره با رجا یعنی امیدواری به رحمت الهی نیز همراه است تا انسان در سایه آن، به یاس و ناامیدی از درگاه الهی دچار و گرفتار نشود. تکریم مقام الهی و تضرع به درگاه او و مداومت در ذکر و یاد خدا، تقویت روحیه تقوا، شرم، حیا و خویشتن داری، تهذیب نفس و پاکسازی باطن از رذیلت‌های اخلاقی، دوری از سنگدلی و قساوت قلب و همینطور درس آموزی، عبرت و پندگیری از تاریخ و سرگذشت پیشینیان، از جمله مهمترین آثار و ثمرات خشیت الهی است که نهایتاً رضای حق را به دنبال دارند (آریان، ۱۳۸۶؛ بادپا، ۱۳۹۴).

در بخشی از دعای منتسب به پیامبر اکرم (ص) در ماه مبارک شعبان آمده است:

«اللَّهُمَّ اقسِمْنَا بِمَا يَحُولُ بَيْنَنَا وَ بَيْنَ مَعْصِيَتِكَ وَ مِنْ طَاعَتِكَ مَا تَبَلَّغْنَا بِهِ رِضْوَانِكَ وَ مِنْ اليَقِينِ مَا يَهْوُنُ عَلَيْنَا بِهِ مُصِيبَاتُ الدُّنْيَا» «خدایا از خشیت، چنان نصیب ما کن که بین ما و نافرمانی تو حایل شود، و از طاعتت، آنچه که ما را به خشنودی ات برساند، و از یقین، به قدری که گرفتاری‌های دنیا را بر ما آسان سازد».

تحقق خشیت الهی به واسطه معرفت علمی

«علم»، «ذکر»، «تزکیه» و «صله» از جمله راه‌های رسیدن به خشیت راستین بر شمرده می‌شوند (آرام، ۱۳۹۰). خداوند متعال در آیات ۳-۱ سوره مبارکه طه از قرآن کریم می‌فرماید:

«طه مَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لِتَشْقَىٰ إِلَّا تَذَكُّرَةً لِمَنْ يَخْشَىٰ» «طه (ای مشتاق حق و هادی خلق)، ما قرآن را از آن بر تو نازل نکردیم که (از کثرت عبادت خدا و جهد و کوشش در هدایت خلق) خویشتن را به رنج درافکنی، تنها غرض از نزول قرآن آن است که مردم خداترس را متذکر و بیدار سازی» (الهی قمشه‌ای، ۱۳۸۷). این حالت قلبی که از آن تحت عنوان خشیت یاد شده است، متاثر از تذکر و یادآوری مقامات بی‌بدیل خداوند یکتا در وجود آدمی است و موجب می‌شود، انسان به مقام قرب و عبودیت برسد که خود در حمد و تسبیح دائمی خداوند متعال متبلور می‌شود (علی حکیم، ۱۳۹۷). از منظر امام سجاد (ع) نیز یکی از ویژگی‌های کلیدی پیشگامان طریق قرب الهی، اهل خشیت بودن در سایه نیل به درک عظمت بی‌نهایت الهی و

مقابلا باور به ضعف و ناتوانی در برابر او است (مصباح یزدی، ۱۳۹۱). این چنین، حاصل خشیت الهی، تقوا، خویشتن داری و سعادت است که با پیدا شدن زمینه‌های حب الهی، با رجا و عشق الهی پایان می‌یابد (منصوری آلهاشم و دیگران، ۱۳۹۷). با چنین سازوکاری، خشیت الهی در تربیت، هدایت و امور دنیوی و اخروی، از نقش آفرینی ویژه‌ای برخوردار است (رستمی نسب و دیگران، ۱۴۰۰).

این در حالی است که خشیت با علم مرتبط است و برخی آن را به معنای ترسی آمیخته با احترام و تعظیم و متأثر از علم و آگاهی به چیزی می‌دانند (رضایی اصفهانی و امینی، ۱۳۹۴؛ شفیعی، ۱۳۹۵). این حالت، فراتر از ترسی عادی است و همراه با تائری قلبی ناشی از علم و آگاهی نسبت به عظمت آنچه که از آن خشیت حاصل می‌شود بوده و این چنین، مختص علما است (پسندیده، ۱۳۹۹). آگاهی، معرفت و شناخت، اولین گام و عامل اصلی برای حصول خشیت حقیقی است (آریان، ۱۳۸۶). از این رو، معرفت علمی در خدمت خشیت الهی جایگاهی کلیدی داشته و اساس این تاثیرگذاری به صراحت در آیه ۲۸ سوره مبارکه فاطر از قرآن کریم، مورد تاکید قرار دارد:

«وَمِنَ النَّاسِ وَالدَّوَابِّ وَ الْأَنْعَامِ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ كَذَلِكَ إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ غَفُورٌ» «و از اصناف مردم و اجناس جنندگان و حیوانات نیز رنگ‌های مختلف هست (که خدا آفرید) و از میان اصناف بندگان، تنها مردمان عالم و دانا مطیع و خداترسند. البته خدا عزیز و توانا و بسیار بخشنده گناهان است» (الهی قمشه‌ای، ۱۳۸۷).

علامه طباطبایی (۱۳۶۰) در تبیین بخش مورد نظر از آیه مذکور می‌گوید: «این جمله، جمله‌ای است از نو که توضیح می‌دهد چگونه و چه کسانی از این آیات عبرت می‌گیرند، و این آیات اثر خود را که ایمان حقیقی به خدا و خشیت از او به تمام معنای کلمه می‌باشد، تنها در علما می‌بخشد، نه جهال. ... انذار تنها در علما نتیجه بخش است و ... خشیت به معنی حقیقی کلمه، تنها در علما یافت می‌شود. و مراد از علما، علمای بالله است، یعنی کسانی که خدای سبحان را به اسماء و صفات و افعالش می‌شناسند، شناسایی تامی که دل‌هایشان به وسیله آن آرامش می‌یابد، و لکه‌های شک و دودلی از نفوسشان زایل گشته، و آثار آن در اعمالشان هویدا می‌گردد، و فعلشان مصدق قولشان می‌شود. و مراد از خشیت در چنین زمینه‌ای، همان خشیت حقیقی است که به دنبالش خشوع باطنی و خضوع در ظاهر پیدا می‌شود، این آن معنایی است که از سیاق آیه برمی‌آید». ایشان در بحث روایتی مربوط به این آیه نیز اظهار می‌دارد «در مجمع البیان در ذیل جمله (انما یخشی الله من عباده العلماء) می‌گوید: از امام صادق (ع) روایت شده که فرمود: منظور خدای تعالی از علما، آن کسی است که عملش مصدق قولش باشد، کسی که عملش مصدق قولش نباشد، او عالم نیست، و نیز در حدیثی آمده که فرمودند: از همه شما

عالم تر به خدا، ترسنده تر از خدا است». این چنین، مومنان خردمند و اولوالالباب یعنی صاحبان اندیشه، درک و بینایی جان، با تأثری عقلی و قلبی، خداوند متعال را مبدا اثر باور داشته و از او حساب می‌برند، می‌هراسند و حریم می‌گیرند. این کار، میسر همه نیست و تنها علما بالله هستند که به مقام والای خشیت الهی نائل می‌شوند. ایشان تنها از خداوند متعال خشیت دارند و البته از جهنم و سوء حساب خائف اند و برای اینکه حسن حساب داشته باشند، ترتیب اثر عملی می‌دهند (جوادی آملی، ۱۳۶۹).

علم چون بر دل زنده یاری شود
علم چون بر تن زنده یاری شود
(مولانا، مثنوی معنوی، دفتر ۱، بخش ۱۵۶)

ای بسا عالم ز دانش بی‌نصیب
حافظ علمست آنکس نه حییب
(مولانا، مثنوی معنوی، دفتر ۳، بخش ۱۴۲)

نه من ز بی عملی در جهان ملولم و بس
ملالت علما هم ز علم بی عمل است
(حافظ، غزلیات، غزل ۴۵)

علم چندان که بیشتر خوانی
چون عمل در تو نیست نادانی
(سعدی، گلستان، باب ۸)

ابوطالب مکی با استناد به آیه مذکور از سوره مبارکه فاطر، معتقد است که خشیت، حالی است از مقام خوف و خوف اسم حقیقت تقوا به مفهوم جمیع عبادات است. بر این اساس، حقیقت ایمان که آن علم و جود و ایقان است و اجتناب از همه منہیات را در بر دارد، مورد نظر است (آریان، ۱۳۸۶). بر این اساس، تحقق خشیت هم وابسته به علم و یقین و هم متأثر از واکنش یا در واقع عمل متناسب با آن علم و یقین است که در مراقبت و اهتمام نسبت به علم، متبلور و منعکس می‌شود. خشیت متناسب با علم به وجود اموری که می‌تواند موجب فرجامی ناگوار شود، خوف و اهتمام برای احتیاط و مراقبت از خود برای دوری از آن فرجام ناگوار است و خشیت الهی متناسب با علم به عظمت و بزرگی خداوند، موجب فروتنی و تواضع است. این چنین، خشیت الهی، توجه به مسئولیت و وظیفه در برابر پروردگار است که توأم با درک عظمت مقام او، آگاهی از علم و قدرت او و هدف از خلقت و آفرینش او است (رضایی اصفهانی و امینی، ۱۳۹۴).

در واقع، هراس عالمان و دانشمندان از خدا به معنای درک عظمت مقام پروردگار و متعاقباً ترس از مسئولیت‌های خویش است با این خاستگاه که ممکن است آنچه که نسبت به مقام با عظمت الهی شایسته است، به جا نیاورده یا رسالت خود را آن چنان که باید و شاید انجام نداده باشند (رضایی اصفهانی، ۱۳۹۳). وقتی انسان به آفریده‌های خداوند می‌نگرد، مسحور و مبهور جلال و شکوه خداوند می‌شود و می‌اندیشد که این نظام شکوهمند و حکیمانه نمی‌تواند بی هدف و به گزاف آفریده شده باشد. این چنین به عنوان جزئی از نظام آفرینش، معترف می‌شود که بدون

تردید این نظام، حکیمانه، از روی حساب و کتاب و دارای قانون و هدفی است. بنابراین، او نیز در حوزه رفتار اختیاری خود و در قبال تشریح الهی مسئول و پاسخگو خواهد بود (مصباح یزدی، ۱۳۸۹).

خداوند متعال در آیه ۱۴۳ سوره مبارکه اعراف از قرآن کریم می‌فرماید:

«وَلَمَّا جَاءَ مُوسَى لِمِيقَاتِنَا وَكَلَّمَهُ رَبُّهُ قَالَ رَبِّ أَرِنِي أَنْظُرَ إِلَيْكَ قَالَ لَنْ نَرَاكَ وَلَكِنْ نُنظُرُ إِلَى الْجَبَلِ فَإِنِ اسْتَقَرَّ مَكَانَهُ فَسَوْفَ نَرَاكَ فَلَمَّا تَجَلَّى رَبُّهُ لِلْجَبَلِ جَعَلَهُ دَكًّا وَخَرَّ مُوسَى صَعِقًا فَلَمَّا أَفَاقَ قَالَ سُبْحَانَكَ تُبْتُ إِلَيْكَ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُؤْمِنِينَ» «و چون تقاضای دیدن خدا کردند) موسی (با هفتاد نفر بزرگان قومش که انتخاب شده بودند) وقت معین به وعده‌گاه ما آمد و خدایش با وی سخن گفت، موسی (به تقاضای جاهلان قوم خود) عرض کرد که خدایا خود را به من آشکار بنما که جمال تو را مشاهده کنم. خدا در پاسخ او فرمود که مرا تا ابد نخواهی دید و لیکن به کوه بنگر، اگر کوه طور (بدان صلابت، هنگام تجلی) به جای خود برقرار ماند تو نیز مرا خواهی دید. پس آن گاه که تجلی خدایش بر کوه تابش کرد کوه را مُندک و متلاشی ساخت و موسی بی‌هوش افتاد. سپس که به هوش آمد عرض کرد: خدایا تو منزّه و برتری (از رؤیت و حس جسمانی، از چنین اندیشه) به درگاه تو توبه کردم و من (از قوم خود) اول کسی هستم که (به تو و تنزه ذات پاک تو از هر آرایش جسمانی) ایمان دارم» (الهی قمشاهی، ۱۳۸۷).

در قرآن کریم، علم حقیقتی وجودی است که از جانب خداوند متعال به آدمیان و جمیع ممکنات افزوده می‌شود. آیات مبارکه متعددی وجود دارند که نشان می‌دهند علم جمیع پیامبران، فرشتگان و آدمیان از جانب خداوند به آنان اعطا شده است. در واقع، با توجه به اینکه علم مساوق با وجود است، خداوند متعال به هر چیزی که وجودی بخشیده، علم نیز عطا نموده است (بیات و راستایی، ۱۳۹۴). خداوند متعال در آیه ۲۳ سوره مبارکه احقاف می‌فرماید:

«قَالَ إِنَّمَا الْعِلْمُ عِنْدَ اللَّهِ وَأُبَلِّغُكُمْ مَا أُرْسِلْتُ بِهِ وَلَكِنِّي أَرَاكُمْ قَوْمًا تَجْهَلُونَ» «هود در جواب گفت: علمش نزد خداست و من آنچه را که بر آن رسالت داشتم به شما ابلاغ کردم و لیکن شما را بسیار مردم نادانی می‌بینم» (الهی قمشاهی، ۱۳۸۷).

عقل و دین پرده‌اوست علم و دانش همه پرورده اوست

(جامی، هفت اورنگ، سبحة‌الابرار، بخش ۴۹)

علم بالست مرغ جانت را بر سپهر او برد روانت را

(اوحدی، جام جم، در صفت علم)

درخت تو گریبار دانش بگیرد به زیر آوری چرخ نیلوفری را

(ناصرخسرو، قصاید، قصیده ۶)

آن چیست که خلق ازوست جنبنده کو علم چو این قدر نمی‌دانم

(عطار، غزلیات، غزل ۵۵۱)

هفتاد و دو سال فکر کردم شب و روز معلوم شد که هیچ معلوم نشد

(خیام، رباعیات، رباعی ۹۳)

اگر خشیت الهی را به عنوان یکی از و شاید عالی ترین درجات تقوا و ویژگی بارز دانشمندان بدانیم، این رابطه ای دوطرفه و متقابل است. علم و دانش باعث تقوا و تقوا زمینه ساز نشو و نمای علم می شود. هرچه علم بیشتر، تقوا قوی تر و هرچه تقوا مستحکم تر و عالی تر، زمینه برای علم بیشتر فراهم تر خواهد بود. این چنین است که پیامبر اکرم (ص) می فرماید: «تَمَامُ التَّقْوَى أَنْ تَتَعَلَّمَ مَا جَهَلْتَ وَ تَعْمَلَ بِمَا عَلِمْتَ» «همه تقوا این است که آنچه را نمی دانی بیاموزی و آنچه را می دانی به کار بندی». همینطور امام (ع) نیز می فرماید: «مَنْ خَشِيَ اللَّهَ كَمَلَ عِلْمُهُ» «هرکس از خدا بترسد، علمش کامل گردد» (محمدی، ۱۳۹۸).

مراد از علم و معرفتی که ایجاد خشیت حقیقی (الهی) را در دل ها به دنبال دارد، نوری است که خداوند متعال آن را در دل های دوستان حقیقی خود می اندازد. به نقل از نجم الدین رازی در کتاب «مرصاد العباد»، نشان خشیت آن است که عالم به علمی که می اندوزد کار کند و آن را وسیله درجات آخرت و نه مال و جاه دنیا قرار دهد (آریان، ۱۳۸۶). این علم که از آن به عنوان علم پیشرفته نیز یاد می شود، مصداق دانش مطلوبی است که از نظر قرآن کریم و احادیث، دارای مختصات چو خشیت آفرین، تزکیه کننده، هدایت آفرین، عمل گرا، جامع نگر (چندبعدی)، تخصصی، نافع، فرازمان، فرامکان، یقینی و اصیل است (رضایی اصفهانی، ۱۳۹۳). این علم، دیگر دریافتی از باطن و حقیقت جهان هستی است که ادراک آن، فراتر از صرفا دریافت حسی است. در چنین سطحی، علم در جایگاه فهم نظم جهان با ایمان به مفهوم درک معنای جهان، یکی شده که پالایش از آلودگی ها، هوا و هوس ها و پدیدار شدن نوری هدایتگر در وجود انسانی خردمند که راهنمای دیگران نیز است، نتیجه آن خواهد بود. چنین علمی با ایمان، خداجویی و تقرب همراه است و تعالی انسان، رستگاری و نجات او را در پی دارد (باباپور و دیگران، ۱۴۰۰).

توانا بود هر که دانا بود ز دانش دل پیر برنا بود

(فردوسی، شاهنامه، بخش ۱)

گر تو زان معرفت خبرداری دل از این رنگ و بوی برداری

(نظامی، هفت پیکر خمسه، بخش ۱۰)

خوش تر شوی به فضل ز لعلی که در زمی است برتر پری به علم ز مرغی که در هواست

(پروین، قصاید، قصیده ۹)

عاقل آن باشد که او با مشعله است او دلیل و پیشوای قافله است

(مولانا، مثنوی و معنوی، دفتر ۴، بخش ۸۲)

نتیجه‌گیری

خشیت، تسلیم، تعظیم و تکریم منسوب به عظمت و مهابت و هم‌چنین خودباختگی، افتادگی و فروتنی منتج از علم و معرفت است. این مفهوم بنیادین و راهگشا در سیر و سلوک و بندگی، در مقابل غیر خدا معنا نداشته و این چنین، تنها در برابر شکوه و جلال خداوند متعال موضوعیت یافته و از آن به عنوان نعمت و موهبتی خدایی تحت عنوان خشیت الهی یا خداواری و خداترسی یاد می‌شود. تکریم مقام الهی و تضرع به درگاه او و مداومت در ذکر و یاد خدا، تقویت روحیه تقوا، حیا و خویشتن داری، تهذیب نفس و پاکسازی باطن از رذیلت‌های اخلاقی، دوری از سنگدلی و قساوت قلب و همین‌طور درس آموزی، عبرت و پندگیری از تاریخ و سرگذشت پیشینیان، از جمله مهمترین آثار و ثمرات خشیت الهی است که نهایتاً رضای حق را به دنبال دارند. از طرف دیگر، تحقق خشیت هم وابسته به علم و یقین و هم متأثر از واکنش یا در واقع عمل متناسب با آن علم و یقین است که در مراقبت و اهتمام نسبت به علم، متبلور و منعکس می‌شود. این چنین، خشیت الهی، توجه به مسئولیت و وظیفه در برابر پروردگار است که توأم با درک عظمت مقام او، آگاهی از علم و قدرت او و هدف از خلقت و آفرینش او است.

عالم اخلاق مدار به عنوان جزئی از نظام آفرینش، معترف است که بی‌تردید این نظام، حکیمانه، از روی حساب و کتاب و دارای قانون و هدفی است. او وقتی در راه علم قدم می‌گذارد، وجود خود را از خداوند عالم درک و دریافت می‌کند و این چنین به ارزش، مقام و منزلت واقعی خویش پی می‌برد. رسیدن را ناممکن و مقصد را بی‌انتهای می‌یابد و این بی‌انتهایی که برخاسته از دانستن ندانستن، ژرفای عالم و عظمت مطلق است، سرمنزلی جز ایمان و باور به خالق یکتا و متعاقباً تواضع و فروتنی در برابر بزرگی خدا و همین‌طور بندگان او نخواهد داشت. بنابراین، برای او گرگی، رسیدن و تسلط معنا نداشته و در حکم هشدار دائمی برای دوری از بی‌عملی یا دلمشغولی به محفوظاتی تهی از معرفت است. پرواضح است که هر علم و دانشی تحقق خشیت را در پی ندارد، بلکه مراد معرفت علمی است که تلقی مقاله حاضر از آن، علم اخلاق مدار و عالم به آن، عالم اخلاق مدار به عنوان پیش‌نیاز دانشگاه اخلاق مدار است که با مختصات و ویژگی‌هایی که دارند، بینشی وسیع را عرضه داشته و در خدمت سعادت بشریت خواهند بود. این چنین، علم، عالم و دانشگاه اخلاق مدار، خشیت آفرین، تزکیه‌کننده، هدایت آفرین، مسئولیت‌پذیر، عمل‌گرا، پاسخگو، جامع‌نگر، تخصصی، نافع، فرازمان، فرامکان، یقینی و اصیل و در یکپارچگی با ایمان به مفهوم درک معنای جهان خواهند بود.

فهرست منابع

۱. آرام، محمدرضا. (۱۳۹۰). معناشناسی خشیت در قرآن کریم. پژوهش‌های اعتقادی کلامی (علوم اسلامی) ۵(۲۱): ۳۵-۵۱.
۲. آریان. حسین. (۱۳۸۶). خشیت و خوف از دیدگاه قرآن و عرفان. عرفان اسلامی ۴(۱۴): ۲۱۶-۱۹۳.
۳. الهی قمشه‌ای، مهدی. (۱۳۸۷). ترجمه قرآن کریم. تهران: صانعی.
۴. باباپور، زهرا، صرفی، محمدرضا، و شریف‌پور، عنایت‌الله. (۱۴۰۰). جایگاه علم، عمل و ایمان در مثنوی معنوی مولوی. پژوهش‌های اخلاقی ۱۲(۲): ۸۵-۱۰۲.
۵. بادپا، عبیدالله. (۱۳۹۴). خوف و خشیت الهی؛ پلکان ترقی معنوی. ندای اسلام ۱۶(۳-۴): ۲۹-۲۷.
۶. باقریان فر، مصطفی. (۱۳۹۸). کاربرد مولفه‌های اخلاق حرفه‌ای آموزش در اعضای هیات علمی. اخلاق در علوم و فناوری ۱۴(۴): ۱۳۰-۱۲۱.
۷. بیات، محمد حسین، و راستایی، حامده. (۱۳۹۴). سریان علم در موجودات از منظر قرآن مجید و تجلی آن در اندیشه ملاصدرا. سراج منیر ۶(۲۰): ۲۷-۷.
۸. پسندیده، عباس. (۱۳۹۹). الگوی نظری عبرت‌پذیری در قرآن کریم. اخلاق و حیانی ۱۰(۲): ۶۵-۳۵.
۹. جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۶۹). مقام خشیت الهی. یاسدار اسلام ۱۱۰: ۱۴-۱۲.
۱۰. چیت ساز، احسان، لطفی، مصطفی، و محمدی الیاسی، قنبر. (۱۳۹۸). تاثیر قوانین بر میزان اخلاق‌مداری در دانشگاه. دومین همایش ملی دانشگاه اخلاق‌مدار، تهران.
۱۱. دهخدا. علی اکبر. (۱۳۸۸). لغتنامه دهخدا. تهران: دانشگاه تهران.
۱۲. رجبی، ابوذری، و کربلایی پازوکی، علی. (۱۴۰۱). تاثیر ساحت‌های اخلاقی بر معرفت از منظر قرآن با تاکید بر دیدگاه علامه طباطبایی (ره). پژوهش‌های اخلاقی ۱۲(۳): ۸۵-۱۰۲.
۱۳. رستمی نسب، عباسعلی، یاری دهنوی، مراد، و پورحیدری، عارفه. (۱۴۰۰). بررسی آثار تربیتی «خوف و رجا» از دیدگاه اسلام با تاکید بر قرآن کریم. فصلنامه پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی ۲۹(۵۲): ۳۵-۷۵.
۱۴. رضایی اصفهانی، محمدعلی. (۱۳۹۳). علم پیشرفته از منظر قرآن و سنت. قرآن و علم ۸(۱۵): ۹۵-۱۲۸.
۱۵. رضایی اصفهانی، محمدعلی، و امینی، فائزه. (۱۳۹۴). خشیت از پروردگار و ارتباط آن با درک قرآن. مطالعات تفسیری ۶(۲۴): ۶۸-۵۵.
۱۶. سرسنگی، مجید. (۱۳۹۸). تبیین اخلاق حرفه‌ای در آموزش عالی و راهکارهای تحقق دانشگاه اخلاق‌مدار. دومین همایش ملی دانشگاه اخلاق‌مدار، تهران.
۱۷. سلحشور، علی. (۱۳۹۷). نقد تطبیقی مفهوم خشیت در آیه ۸۰ سوره کهف بر اساس ترجمه‌های فارسی و انگلیسی و آثار فقهی آن. مطالعات فقه و اصول ۱(۱): ۸۹-۷۱.

۱۸. سلکی چشمه سلطانی، فاطمه، و جعفری، علی. (۱۳۹۸). *مطالعه‌ای بر مولفه‌های اخلاق در دانشگاه*. دومین همایش ملی دانشگاه اخلاق‌مدار، تهران.
۱۹. شفیعی، عباس. (۱۳۹۵). تبیین عاطفه توحیدی در رهبری اسلامی و اعتبار سنجی آن. *مطالعات علوم اجتماعی* ۳(۳): ۷۱-۵۷.
۲۰. شکوهی تبار، محمود، و سلیمی، علی. (۱۳۹۹). بررسی تفسیری سازوکارهای درونی تاثیر نظارت خدای متعال در پیشگیری از کجروی. *مطالعات تفسیری* ۱۱(۴۴): ۸۱-۱۰۴.
۲۱. طالبی، فهیمه، جاهد، حسینعلی، و ساری خانی، ناهید. (۱۳۹۹). طراحی الگوی ارتقاء کیفیت پژوهش در نظام آموزش عالی ایران. *پژوهش‌های اخلاقی* ۱۱(۲): ۱۴۵-۱۵۸.
۲۲. طباطبایی، سید محمد حسین. (۱۳۶۰). *تفسیر المیزان*. جلد ۱۷. قم: بنیاد علمی و فرهنگی علامه طباطبایی.
۲۳. طیب حسینی، سید محمود. (۱۳۹۲). پژوهشی در معنای واژه قرآنی «خشیت» و تفاوت آن با «خوف». *کتاب قییم* ۳(۸): ۲۶-۷.
۲۴. علی حکیم، کبری. (۱۳۹۷). *راز خشیت الهی: بر اساس تفسیر سوره مبارکه طه*. قم: چاپکو.
۲۵. عمید، حسن. (۱۳۹۰). *فرهنگ فارسی عمید*. تهران: امیرکبیر.
۲۶. گل محمدی، جعفر، و تقی زاده، سعیده. (۱۳۹۹). *بررسی اخلاق حرفه‌ای در نظام آموزشی و پژوهشی دانشگاه علامه طباطبایی*. سومین همایش ملی دانشگاه اخلاق‌مدار، تهران.
۲۷. محمدی، بازمحمد. (۱۳۹۸). بررسی نقش تقوا در ارتقای سرمایه انسانی. *معارف اسلامی و مدیریت* ۱۰(۱): ۵۸-۳۱.
۲۸. مشایخ، فرحناز، کریمی، فریبا، و شاه طالبی، بدری. (۱۳۹۸). آسیب‌شناسی اخلاق حرفه‌ای اعضا هیات علمی. *پژوهش‌های اخلاقی* ۹(۳): ۲۵۸-۲۳۷.
۲۹. مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۸۹). ترس از خدا و نقش سازنده آن در زندگی. *معرفت* ۱۹(۱۵۴): ۱۴-۵.
۳۰. مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۹۱). پیشگامان مسیر قرب الهی. *معرفت* ۲۱(۱۷۲): ۱۰-۵.
۳۱. منصوری آل‌هاشم، سمانه، محرمی، رامین، و اسداللهی، خدابخش. (۱۳۹۷). بررسی خوف و رجا از دیدگاه عرفانی امام محمد غزالی و جلال الدین مولوی. *پژوهشنامه ادب غنایی* ۱۶(۳۰): ۲۰۴-۱۸۷.
۳۲. نادری، نادر، قربانی‌زاده، وجه‌الله، و امینی، محمد. (۱۳۹۹). مؤلفه‌های اخلاقی - اسلامی برای گذار به دانشگاه نسل سوم. *مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی* ۲۴(۱): ۴۷-۷۰.
۳۳. وجدانی، فاطمه. (۱۳۹۵). چارچوب اخلاقی رقابت در محیط‌های علمی - دانشگاهی. *مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی* ۲۰(۴): ۵۶۲-۵۴۳.